

طهورا

فصلنامه فرهنگی قرآنی
کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

سال نهم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۴۰۲
قیمت ۵۰۰۰ تومان



**دحوالارض: شب و روزی که
نباید از دست داد**

معرفی کتاب کهکشان نیستی
امید داشتن به درگاه الهی
انسان در قرآن از منظر شهید مطهری





نهج البلاغه هیچ میدانی از میدان‌های زندگی را فروگذار نکرده، مگر این‌که در آن بلیغ‌ترین، رساترین، پرمغزترین و پرمحتواترین سخن را بیان کرده. یک نگاهی به فهرست نهج البلاغه ... نشان می‌دهد که این کتاب چقدر چند بعدی و چند جانبه است و این واقعا یک شگفتی است. در همه‌ی بخش‌هایی که برای یک انسان کامل و برای یک جامعه‌ی انقلابی کامل، لازم و ضروری است، نهج البلاغه بهترین و وافق‌ترین مطالب را ارائه می‌دهد و چرا این‌جور است؟ زیرا که نهج البلاغه نموداری است از اسلام و اسلام آیینی است همه جانبه و انسان که موضوع اسلام هست و محور اندیشه‌ی اسلامی و ایدئولوژی اسلامی است، یک موجودی است چند جانبه. ۱۳۵۹/۰۲/۱۳



طهورا

فصلنامه فرهنگی قرآنی طهورا

سال نهم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

مدیرمسئول: فاطمه سلحشور

سرمدیر: ثمین توان

طراح و صفحه‌آرا: زکیه هزاره‌ای، ساناز زارع

هیئت تحریریه: زهرا شمشیری، لیلا حاجی، کوروش

قدرتی، جمیله انصاری‌پور، صدیقه وصالی، مهسا پرمو.

شماره مجوز: ۲۲۳/ک ن ش

لطفا جهت همکاری با نشریه طهورا و کسب اطلاعات

بیشتر با شماره ۰۹۱۰۳۴۶۷۸۳۸ ارتباط برقرار کنید.



tahoorashirazuni



quranshirazu



quranshirazuni



Quranshirazu



<http://farhangi.shirazu.ac.ir>



فهرست



سخن سردبیر
۶



انسان در قرآن از
منظر شهید مطهری
۲۶



امید داشتن به درگاه
الهی
۱۷



معرفی کتاب کهکشان
نیستی
۷



تفألی به دیوان حافظ
۲۷



فزتُ و ربّ الکعبه
۲۵



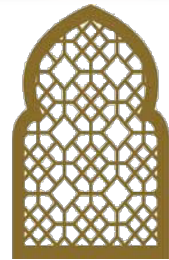
از دیار غربت
۹



دحوالارض: شب و
روزی که نباید از
دست داد
۱۱



سخن سردبیر



ثمین توان

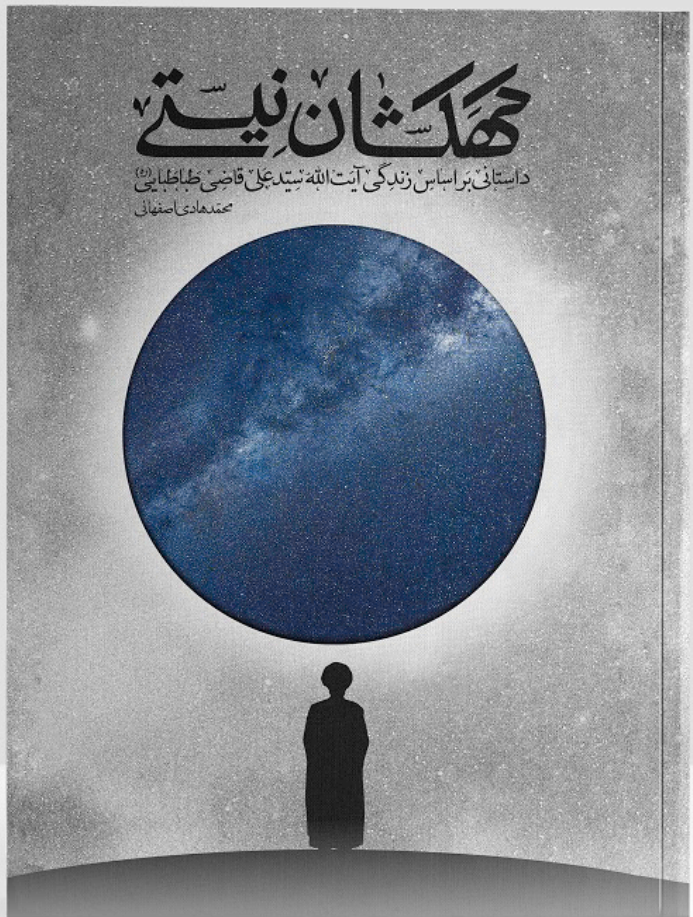
کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

« اخذُوا الذُّنُوبَ الْمُورِطَةَ، وَالْعُيُوبَ الْمُسْخِطَةَ. أُولَى الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ، وَالْعَافِيَةَ وَالْمَتَاعَ! هَلْ مِنْ مَنَاصِ أَوْخِلَاصٍ؟ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ؟ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَحَارٍ أَمْ لَا فَأَنِّي تُؤَفِّكُونَ؟ أَمْ أَيْنَ تُصْرَفُونَ؟ أَمْ بِمَاذَا تَغْتَرُونَ، وَ إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتَ الطُّولِ وَالْعَرْضِ قَقِيدٌ قَدِّهِ، مُتَعَفِّرًا عَلَى خَدِّهِ الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ، وَالْخِنَاقُ مُهْمَلٌ، وَالرُّوحُ مُرْسَلٌ فِي فَيْئَةِ الْأَرْشَادِ، وَ رَاحَةَ الْأَجْسَادِ، وَ بَاحَةَ الْأَحْتِشَادِ، وَ مَهْلَ الْبَقِيَّةِ، وَ أَنْفَ الْمَشِيَّةِ، وَ انْظَارَ التَّوْبَةِ، وَ أَنْفَسَاحَ الْحَوْبَةِ، قَبْلَ الضَّنْكِ وَالْمَضْيِقِ، وَ الرَّوْعِ وَ الرَّهْوَقِ، وَ قَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ، وَ أَخَذَةَ الْعَزِيزِ الْمُقْتَدِرِ؟

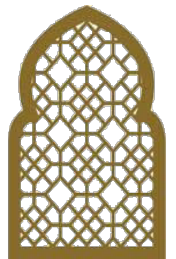
از گناهان تباه کننده، و از عیوبی که خدا را به خشم می آورد دوری کنید. ای صاحبان بینایی و شنوایی، و سلامتی و ثروت، آیا هیچ جای فرار و خلاصی، یا تکیه گاه و پناهگاهی، یا گریز و راه بازگشتی هست یا نه؟ پس به کدام راه منحرف می شوید؟ و یا به کدام جانب می برندتان؟ یا به چه چیز فریفته می شوید؟ نصیب هر کدام شما از زمین به اندازه طول و عرض قامت اوست، خوابگاهی که چهره بر خاکش می گذارد. ای بندگان خدا! اکنون که ریسمان مرگ به گردنتان نیفتاده، و روحتان در موقعیت به دست آوردن هدایت آزاد، و بدن ها راحت، و میدان اجتماع وسیع، و مهلت حیات و اراده و اختیار برقرار، و وقت توبه و بازگشت، و فرصت انجام کار در اختیار است، قبل از رسیدن تنگی وقت، و تنگنای قبر، و ترس از فنا، و مفارقت جان از بدن، و رسیدن پیک مرگ که مورد توقع است، و پیش از دچار شدن به عذاب خداوند عزیز مقتدر فرصت را غنیمت دانید».

خطبه غراء، امیرالمؤمنین علی علیه السلام

با شماره ی بیست و هفتم از نشریه فرهنگی قرآنی طهورا، در خدمت شما همراهان گرامی هستیم. تمام تلاش ما بر این است تا در حد توانمان بگوییم و بنویسیم از او که ربّ است و معبود. باشد که قلم مان راهی باشد در راه شناخت او.



معرفی کتاب کهکشان نیستی



کوروش قدرتی

کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه شیراز

چه راه‌هایی پاکوب شده است و چه کوره راه‌هایی طی شده است تا کسی در این قوس صعود، به مرتبه‌ی استادی رسیده است؟
 مسیری که رهروان و شیفتگان پیمودنش از آن تحت عنوان سلوک یاد می‌کنند.
 این مرد چه چیزهایی را از سر گذرانده است که اکنون هر کس به این وادی سرکی کشیده محال است اسم او به گوشش نخورده باشد ...
 آیت الله قاضی طباطبائی.
 به دنبال روایتی جذاب از زندگانی او بودم. اما عمده کتاب‌های حوزه سلوک و عرفان کم جاذبه و شاید خشک و زمخت تألیف می‌شوند!

مدتها بود چهره‌ی با صلابت او ذهنم را درگیر کرده بود ...
 دقیقا از همان موقعی که عکس سیاه و سفید معروف او در اتاقکی محقر، گوشه‌ای از وادی السلام، در قاب کوچکی در نظرم جلوه‌گر شد.
 در این فکر و خیال بودم که راز پشت این چشم‌های نافذ چیست که این همه مرید را در جستجوی مراد حقیقی هستی، پی او کشانده؟!
 سرّ پنهان شده در پس این چهره‌ی پولادین چون معمایی، حل نشده برایم باقی مانده بود!
 سوالاتی پر تکرار مثل اینکه کسانی چون او که شاخص راه عرفان شده‌اند، چگونه زیسته‌اند؟



هم قطاران او که تأثیر بسزایی از ایشان پذیرفتند و هر کدام خود بعدها وزنه‌ای در ترازوی عرفان شدند.

از دیدار کوتاه ایشان با امام خمینی تا داستان‌های شیرین از رابطه‌ی وی با مردم کوچه و بازار، از کرامات خارق‌العاده ایشان تا توصیه و نصایح او به رهروان طریق حقیقت، همه و همه این کتاب را به مجموعه‌ای کامل و روان از سیر حیات دنیوی این عالم بزرگوار تبدیل کرده است؛ که بدون شک برای علاقه‌مندان به این حوزه جذاب و قابل توصیه خواهد بود.

اما این کتاب را که تورقی کردم، سیر داستانی جالب و نگارش مخاطب‌پسند آن برایم جذاب بود.

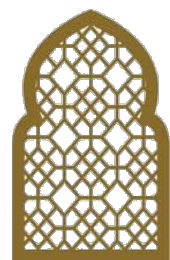
«کهنکشان نیستی» عنوان کتابیست که از جهات مختلفی به زندگانی و زمانه‌ی آیت الله قاضی طباطبایی پرداخته است.

از شرایط خانواده و فرزندان ایشان و جو حاکم بر ایران و عراق در اوایل صده چهاردهم هجری قمری تا پرداختن به شاگردان وی که در زمره‌ی آنان نام بزرگانی چون آیت الله بهجت و علامه طباطبایی، صاحب‌المیزان، به چشم می‌خورد. و





از دیار غربت



لیلا حاجی

کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه سمنان





سلام بر بانویی که زیارت حرمش جان‌های تشنه را سیراب معرفت و لبریز از حقیقت می‌کند. بانویی که همچون خورشیدی درخشان بارقه‌های نورانیت و شفابخشی‌اش بر سر همگان فرود می‌آید.

بانویی که جماعت مردان و ریش‌سفیدان ما به احترامش جان فدا می‌کنند و جمع بانوان از مهر، بوسه بر چادرش می‌زنند.

دل‌م زیارتی از جنس حریم شما می‌خواهد، که غربت‌ها در آن تمام شود. حریمی که من هم در آن آشنا به حساب می‌آیم.

بانویی که در حریمش پذیرای دل‌های شکسته و قلب‌های آشفته است.

بانوی مهر و عاطفه، قدم‌هایتان حیات را در مرز و بوم ما، در کشور و شهر ما، در ایران و قم بیش از پیش جاری ساخته است.

خانم جان به یمن آمدن شما کویر جان ما و جهان اطراف ما محلی شد برای دانش، رشد و بالندگی ...

به علم و معرفت خواهر امام هشتم جهان سر تعظیم فرود می‌آورد.

در آستان شما دل‌م برای حرم برادران دلتنگ می‌شود و طلب زیارتی با معرفت در مشهد را دارم.

از شما اذن می‌خواهم تا راهی مشهد الرضا شوم.

از شما برای حاجت‌هایم اجابت می‌خواهم و از

شما برای خواسته‌هایم عافیت می‌طلبم ...

در ذهن ما شما چون پناهگاهی امن هستی که از خداوند برایمان طلب خیر می‌نمایی.

از خداوند برایم عاقبت‌بخیری طلب نما که من سواد خواستن از درگاه شما را بلد نیستم، فقط می‌دانم آن قدر خاندان بزرگ و با کرامتی هستید که من را هم اجازه گفتن و نوشتن داده‌اید!

هر چه دارم از دعای خیر شماست، و هر ناکامی، از غفلت‌هایم سر می‌زند.

دل‌م می‌خواهد در سفر زندگی مرا راهنما باشید و مسیر درست و راه راست را برایم نمایان سازید. چقدر حریم شما برای دل‌های بی‌قرار ما که از حریم مادرمان بی‌خبر و بی‌نصیب هستیم، مایه آرامش هست. چه خوب که حرم شما را داریم که به وقت دلتنگی درمان پیدا کنیم و به وقت درد، درمان!

بانوی بزرگ، سلامی می‌دهم و دل‌م را از راه دور به ضریحت گره می‌زنم.

جان من در گرداگرد حریم شما طواف می‌کند.

روح من در آن جا سیر می‌کند.

هر چند درکی از مقام شما ندارم ولی معصومیت و پاکی شما آنقدر مرا شیفته کرده که تا همیشه الگویی چون شما برایم هویدا است.

کاش در رفتار و اعمالم شبیه شما باشم و تا همیشه هم با شما همراه و همدل بمانم.

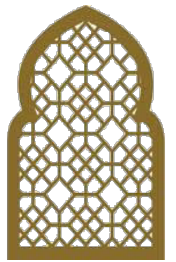
بانو جان دوست دارم!



دحوالارض



دحوالارض: شب و روزی که نباید از دست داد



جمیله انصاریپور

دانشجوی دکتری الهیات دانشگاه مازندران

اکرم ایام سال، آن چهار روز است و آن روزها را در اصطلاح شرع شریف، ایام اربعه می گویند.

یکی از ایام اربعه، یوم دحو الأرض است و آن روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة الحرام است. دوم، یوم الغدير است و آن هجدهم ماه ذی الحجة الحرام است. سوم، یوم المولد است که روز ولادت کریم شریف خاتم الانبیاء و سید المرسلین - صلوات الله علیه و آله الفائزین - بوده و آن روز هفدهم ماه ربیع الاول است. چهارم، یوم المبعث است که اول بعثت خاتم الانبیاء در این روز بوده است و به جنّ و انس از برای اكمال دین و اتمام شریعت مبعوث شده است و آن روز بیست و هفتم ماه رجب المرجب است. این چهار روز در فضل و منزلت، پنجم ندارد.

دحوالارض یعنی گسترش یافتن زمین، در شب

از امیر مؤمنان حضرت علی (ع) روایت است که فرمودند: «نخستین رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة، روز دحوالارض بوده است. و هرکس این روز را روزه بدارد و شب آن را به عبادت بپردازد، به پاداش عبادت صدساله رسیده است؛ عبادت صد ساله‌ای که روزهای آن را به روزه و شب‌های آن را به عبادت گذرانیده است.»

روز بیست و پنجم ذی القعدة روز دحوالارض است و یکی از آن چهار روزی است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است. میرداماد در رساله اربعه ایام، اعمالی را که در تعظیم و تکریم «ایام اربعه» در روایات آمده است، جمع آوری کرده است. وی در فصل اول، در بیان ایام اربعه می نویسد: نباید دانستن که در هر سال، چهار روز عظیم القدر جلیل المنزله است که نزد الله تعالی، اعزّ و





این روز نیز بر اساس روایتی از امام هشتم علیه السلام، حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام به دنیا آمده‌اند. همچنین این روز به عنوان روز قیام امام زمان مهدی موعود (عج) نیز معرفی شده است.

معنای دحوالارض

«دحو» به معنای گسترش است و بعضی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلی‌اش تفسیر کرده‌اند. منظور از دحوالارض (گسترده شدن زمین) این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های سیلابی نخستین فراگرفته بود. این آب‌ها، به تدریج در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر برآوردند و روز به روز گسترده‌تر شدند. از طرف دیگر، زمین در آغاز به صورت پستی‌ها و بلندی‌ها یا شیب‌های تند و غیرقابل سکونت بود. بعدها باران‌های سیلابی مداوم باریدند، ارتفاعات زمین را شستند و دره‌ها گسترده‌تر شدند. اندک اندک زمین‌های مسطح و قابل استفاده برای زندگی انسان و کشت و زرع به وجود آمد. مجموع این گسترده شدن، دحو الارض نامگذاری می‌شود. دحوالارض روزیست که زمین‌ها از زیر خانه خدا کشیده شده و پهن گردیده است چون اول جایی که از زمین خلق شد، موضع خانه کعبه بود و لذا کعبه را أمّ القری می‌گویند (وقایع الایام، صفحه ۱۰۱).

«دحو الارض» نیز از آن گونه نسیم‌هایی است، که سالی تنها یک‌بار می‌وزد. تکرار دوباره این نسیم روح‌بخش برای آنان که جان خویش را از عطر آن آکنده نساختند، نامعلوم است. پس این فرصت طلایی را دریابیم؛ که رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ فَتَعَرَّضُوا لَهَا لَعَلَّهٗ أَنْ يَصِيبَكُم نَفْحَةٌ مِنْهَا فَلَا تَشْقَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ همانا در طول زندگی شما نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. هان! خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور ماند» [سیوطی، جامع الصغیر، ج ۱، ص ۹۵].

پس با این همه اوصاف ارزش این روز بس زیاد است لذا با توجه به توصیه‌های معصومین، با در نظر داشتن این روز و در صورت توانایی انجام اعمال آن خود را در جایگاه افرادی قرار دهیم که راه صد ساله را یک شبه می‌پیمایند.

زیرا:
از امیر مؤمنان حضرت علی (ع) روایت است که

فرمودند: «نخستین رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در روز بیست و پنجم ماه ذی‌القعدة، روز دحوالارض بوده است. و هر کس این روز را روزه بدارد و شب آن را به عبادت بپردازد، به پاداش عبادت صدساله رسیده است؛ عبادت صد ساله‌ای که روزهای آن را به روزه و شب‌های آن را به عبادت گذرانیده است. و هر جماعتی که در این روز گردهم آیند و به ذکر پروردگار بپردازند، پراکنده نخواهند شد مگر آنکه خواسته‌های آنان برآورده خواهد شد و در این روز هزاران رحمت از سوی پروردگار نازل می‌شود که نود و نه درصد آن از آن کسانی است که روزه را به روزه و ذکر مشغول باشند و شبش را به احیا و عبادت» [مراقبات، صص ۱۸۶ و ۱۸۷].

برای اهل مراقبت و سیر و سلوک، طاعت و عبادت در این شب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نسبت به دیگر ایام مشهور مورد توجه عامه مردم نیست و آنها کمتر در این ایام به طاعت خدا مشغول می‌گردند، لذا دحوالارض می‌تواند از ایام ممتاز سال باشد زیرا توجه در زمان غفلت عموم از مراقبات مهم باعث سرعت اجابت است و اعمال نزد حضرت حق بزرگتر و به قبول نزدیکتر و اجر بیشتری دارد.

برنامه‌های معنوی و اعمال مخصوص شب و روز دحو الارض

زمین، گاهواره زندگی انسان و تمام موجودات زنده است، که با تمام کوه‌ها، دریاها، دره‌ها، جنگل‌ها، چشمه‌ها، رودخانه‌ها، معادن و منابع گران‌بهایش، نشانه‌ای از نشانه‌های آفریدگار به شمار می‌آید که آن را گسترانیده است. آیت الله میرزا جواد آقاملکی تبریزی در کتاب «المراقبات» خود آورده است: «کار مهم در ماه ذی القعدة، آگاهی از نعمت‌هایی است که خداوند در روز «دحوالارض»، به بشر ارزانی داشته است، چرا که آگاهی از نعمت و کم و کیف آن، اولین مرتبه شکر است و یکی از نعمت‌های بسیار بزرگ خداوند در این روز به بشر این است که خداوند متعال کعبه را خانه خود قرار داد و اجازه داد که مردم، آن را زیارت کنند و با پاداش و رضایت فراوانی این عمل را از آنان می‌پذیرد و این نهایت لطف و مهربانی و کرم است.»

از آنجا که روز دحو الارض روز بسیار مبارکی می‌باشد آداب و اعمال ویژه‌ای نیز برای آن ذکر شده است که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

روز دحو الارض از چهار روزی است که در تمام سال به فضیلت روزه گرفتن، ممتاز است و در روایتی آمده است که روزه‌اش مثل روزه هفتاد سال است؛ و در روایت دیگر کفاره هفتاد سال است و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبادت بسر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود؛ و هر چه در میان آسمان و زمین وجود دارد برای کسی که در این روز روزه‌دار باشد استغفار می‌کنند. و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیاری است.

در روایتی از امیر مؤمنان (ع) نقل شده است که «اول رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در روز بیست و پنجم ذی القعدة بوده است؛ بنابراین اگر کسی آن روز را روزه بگیرد و آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش عبادت یک صد سال را دارد».

همچنین فرموده‌اند: در آن روز اگر گروهی به ذکر خدا بپردازند، خداوند حاجتشان را پیش از آنکه متفرق شوند برآورده سازد؛ خداوند در این روز هزار رحمت نازل می‌کند که قسمتی از آن شامل کسانی است که جمع گردند و به ذکر خدا بپردازند و روزش را روزه بدارند و شب آن را عبادت کنند.

دعا

شیخ طوسی فرموده است: مستحب است در این روز، این دعا را بخوانند.
 اللَّهُمَّ دَاحِيِ الْكَعْبَةِ وَ فَالِقِ الْحَبَّةِ وَ صَارِفِ اللَّزْبَةِ وَ كَاشِفِ كُلِّ كَرْبَةٍ
 خدایا ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و برگیرنده سختی و برطرف کننده هر گرفتاری،

برتر بزرگ
 و دعا کند و بگوید:
 يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ أَقْلَبِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
 أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ أَسْمَعْ صَوْتِي وَ
 ارْحَمْنِي وَ تَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي وَ مَا عِنْدِي يَا ذَا
 الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

ای نادیده‌گیرنده لغزش‌ها، لغزشم را نادیده‌گیر،
 ای اجابت کننده دعاها، دعایم را اجابت کن، ای
 شنوای صداها، صدایم را بشنو و به من رحم
 کن و از بدی‌هایم و آنچه نزد من است درگذر،
 ای صاحب بزرگی و بزرگواری.





أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيْعَةً وَإِلَيْكَ ذَرْبِعَةٌ وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ

از تو می‌خواهم در این روز از روزهایت، که حقش را بزرگ گرداندی و سبقتش را پیش انداختی و آن را نزد اهل ایمان، امانت و به سوی خود وسیله قرار دادی و به رحمت گسترده‌ات، که بر محمد درود فرستی،

عَبْدِكَ الْمُتَجَبِّبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِّبِقْ كُلَّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلَى كُلِّ حَبَقٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهَدَاهُ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ،

آن بنده برگزیده‌ات در پیمان نزدیک، روز دیدار، شکافنده هر امر بسته و دعوت کننده به حق و بر اهل بیت پاکش آن راهنمایان و روشن‌کنندگان راه حق، ستون‌های جبار و متولیان بهشت و دوزخ، و اَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْرُوجِ غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ [مَمْنُونٍ] تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةُ وَحُسْنُ الْأَوْبَةِ،

و عطا کن به ما از عطای در خزانه‌ات که نه بریده شود و نه منع گردد، تا به وسیله آن توبه و بازگشت خوبی برای ما فراهم نمایی

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيَّ يَا وَفِيَّ يَا مَنْ لَطْفُهُ حَفِيَّ الطُّفْلِ لِي بِلَطْفِكَ وَأَسْعِدُنِي بِعَفْوِكَ وَآيِدُنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوَلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفْظَةِ سِرِّكَ

ای بهترین خواننده شده و کریم‌ترین امید شده، ای کفایت کننده، ای وفادار، ای آن‌که لطفش پنهانی است، به لطفت به من لطف کن، و به عفوت خوشبختم نما و به یاری‌ات تأییدم فرما و از ذکر کریمانه‌ات فراموشم مکن به حق متولیان امرت و نگهبانان رازت

وَاحْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالتَّشْرِ وَأَشْهِدْنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ أَجَلِي

و از گرفتاری‌های روزگار تا روز قیامت و برانگیخته‌شدن حفظم کن هنگام بیرون آمدن جانم و فرو رفتن در قبرم و تمام شدن کارم و سپری شدن عمرم، اولیایت را به بالینم حاضر کن،

اللَّهُمَّ وَادْكُرْنِي عَلَى طُولِ الْبَلَى إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَنَسِينِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّنِي مَنْزِلَ الْكِرَامَةِ

خدایا یادم کن، بر طول پوسیدگی، زمانی که در میان توده‌های خاک فرود آیم و فراموش‌کنندگان

از مردم فراموشم کنند و در خانه اقامت فرودم آر و در منزل کرامت جایم ده،

وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَاصْطِفَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَأَرْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجْلِ بَرِيئًا مِنَ الزَّلِيلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ

و از دوستان اولیایت و برگزیدگان و خالصان درگاهت قرارم ده و دیدارت را بر من مبارک گردان و پیش از فرا رسیدن پایان عمرم حسن عمل روزی‌ام فرما، درحالی که پاک از لغزش‌ها و گفتار بی‌پایه و منطبق تباه باشم.

اللَّهُمَّ وَأُورِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِعًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلَا أَحْلَأُ وَرَدَّهُ وَلَا عَنَّهُ إِذَا دُ وَاَجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَأَوْفَى مِعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ،

خدایا مرا به حوض پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) وارد کن و از آن به من بنوشان، نوشاندنی سیراب کننده، روان و گوارا، که پس از آن هرگز تشنه نشوم و از ورود به آن طرد نگردم و از آن منع نشوم و آن را قرار ده برایم بهترین توشه و کامل‌ترین وعده‌گاه، روزی که گواهان بپا می‌خیزند،

اللَّهُمَّ وَالْعَيْنَ جَبَابِرَةَ الْأُولَيْنِ وَالْآخِرِينَ وَبِحَقِّقِ [الْحَقِّقِ] أَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثَرِينَ اللَّهُمَّ وَأَقْصِمِ دَعَائِمَهُمْ وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ وَعَجَلِ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ وَصَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَيْنَ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ.

خدایا لعنت کن گردنکشان گذشته و آینده را، هم آنان که حقوق اولیایت را به ناحق به خود اختصاص دادند، خدایا پایه‌هایشان را بشکن و پیروان و عمالشان را نابود ساز، زمینه‌های هلاکتشان را به زودی فراهم فرما و کشورهایشان را از دستشان بگیر و راه‌هایشان را بر آنان تنگ کن و بر آنان که با آنان سهیم و شریکند لعنت فرست، اللَّهُمَّ وَعَجَلِ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ وَأَزِدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتِمِرًا

خدایا در فرج دوستانت شتاب کن و حقوق تاراج رفته آنان را به آنان بازگردان و قائم آنان را به حق، آشکار کن و او را یاری‌رسان دینت بدار و درباره دشمنانت فرمانده به فرمانیت قرار ده،

اللَّهُمَّ أَحْفَفْهُ بِمَلَانِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيَعُودَ دِينِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًا وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضًا وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضًا،

خدایا همواره فرشتگان پیروزی را گرداگرد او بدار

و به آن دستوری که در شب قدر به او القا کردی، او را انتقام‌گیرنده خویش قرار ده، تا جایی که خشنود شوی و دینت به وسیله او و به دست او به گونه‌ای نو و تازه بازگردد و حق به طور کامل ناب شود و باطل به صورت همه جانبه به دور افکنده شود،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ جَمِيعِ آبَائِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَ أُسْرَتِهِ وَ ابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّىٰ نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ،

خدایا بر او و همه پدران‌ش درود فرست و ما را از همنشینان و خاندانش قرار بده و در زمان بازگشتش ما را برانگیز، تا در دوران او در شمار یارانش باشیم

اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَ أَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ [عَلَى مُحَمَّدٍ] وَ أَرِذِّدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ [عَلَيْهِمْ] وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ.

خدایا درک قیامش را روزی ما کن و در روزگارش ما را حاضر کن و بر او درود فرست و سلام او را به ما باز رسان، درود و رحمت خدا و برکاتش بر او باد.

ذکر خداوند

معنای ذکر، فقط گفتن الفاظ و اوراد و نام‌های خداوند نیست. بهترین نوع ذکر خدا، به یاد خدا بودن و او را بر اعمال و گفتار و کردار خویش ناظر دانستن است.

زیارت امام رضا (ع)

زیارت حضرت امام رضا (ع) که مرحوم میرداماد (ره) در رساله اربعه ایام خود در بیان اعمال روز دحو الارض آن را از افضل اعمال مستحبه دانسته است.

غسل

انجام غسل مستحبی به نیت روز دحو الارض

شب زنده‌داری

احیا و شب زنده‌داری که برابر با عبادت صد سال است.

در پایان باید دانست که فرصت‌های معنوی در زندگی بشر، نعمت‌هایی هستند که جسم و روح آنان را نوازش می‌دهد و موجبات شادمانی و آرامش را فراهم می‌سازد. دحو الارض نیز از همین گونه است. پس قدر این فرصت طلایی را بدانیم که رسول خدا فرمود: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ فَتَعَرَّضُوا لَهَا لَعَلَّهٗ أَنْ يَصِيبَكُمْ نَفْحَةٌ مِنْهَا

فَلَا تَشْقَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا» همانا در طول زندگی شما نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. هان! خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور بماند.» (احیاء العلوم، ج ۱، ص ۱۳۴).

بیان آیت الله ناصری در فضیلت شب و روز دحو الارض

شب ۲۵ ماه ذی القعدة یکی از شب‌های نمونه در سال است. اعمالی هم دارد که اگر انسان بتواند انجام دهد بسیار به مورد است. شب عبادت و خلوت کردن با حق خیلی عالی است. شب پوزش طلبیدن از اشتباهات گذشته است. این شب شب دحو الارض است.

امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند که این دنیا قبل از زمین آب بود، تمام دنیا آب بود زمانی که اراده حق تعلق گرفت بر اینکه آدمی بیافریند، نظر هیبتی به آب شد، که این آب دریا شروع کرد به موج برداشتن و بر هم خوردن. کف غلیظی پیدا شد، حضرت حق نظر رحمتی به این کف کردند و زمین ایجاد شد.

اول زمینی که خداوند آفرید زمین مکه مکرمه بود و لذا به زمین «مکه ام‌القری» می‌گویند، بعد از ایجاد زمین مکه نظر مرحمت و رحمانیت زمین از زیر خانه خدا کشیده و پهن شد تا به شکل فعلی رسیده است.

اینکه به نبی اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله «اُمّی» می‌گویند معنایش این نیست که حضرت بی‌سواد بودند. ملا کاظم معروف و مشهور است





در زمان آیت الله بروجردی، بنده مکرر خدمت ایشان رسیدم، امامزاده‌ای که با چند واسطه به امام می‌رسید، یک نظر به او کرده بود تمام قرآن را حفظ شد. کشاورزی بود که هیچ سوادى نداشت. در امامزاده خوابیده بود یک حالی برایش پیدا شده بود و توسلی به حضرت کرد، عنایتی کردند به ایشان به طوری که تعداد الف و واوهای آیات را هم بیان می‌کرد.

حضرت اباعبدالله علیه‌السلام فرمودند: «والله ما خلق الله شیئاً الا امره یا طاعته لنا؛ به خدا سوگند که خداوند هیچ چیزی را نیافرید مگر اینکه او را به اطاعت ما امر کرد.» هرچه آفریده است از مخلوقات باشد یا از صفات حق باشد، فرقی نمی‌کند، همه به فرمانند. آن وقت حضرت حق به فرد بی‌سواد وحی کند؟! بی‌سوادی نقص است، (العیاذ بالله) پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و السلم ناقص باشد؟! معنا ندارد.

اینکه می‌گویند «امّی» است مثل این است که می‌گویند فلانی تهرانیه؛ قزوینیه؛ مشهدیه؛ اصفهانیه؛ به رسول اکرم صلی الله و علیه و آله می‌گویند امی برای این است که ایشان اهل مکه مکرمه است که ام القری است، امی بودن به این معناست.

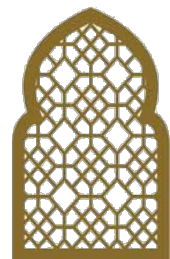
روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة روزی است که حضرت عیسی و حضرت ابراهیم به دنیا آمدند. عظمت این ماه به چه دلیلی است، خدا می‌داند. شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة، شبی است که کسی در خانه خدا رود، محروم بر نمی‌گردد. برای عظمت این شب خداوند عنایت و تفضل می‌کند. روزه در این روز طبق روایاتی که هست، مطابق با ۷۰ سال است. ۷۰ سال گناه کرده حالا پشیمان می‌شود و توبه می‌کند، ۲۵ ماه ذی‌القعدة را روزه می‌گیرد، خداوند گناهانش را به احترام روزه این روز می‌آمرزد. حالا این روزه قضای خودش باشد، یا برای دیگری، مستحبی ولو اینکه روزه استیجاری باشد، فرقی نمی‌کند و برای او فضیلت است.

عبادت در این شب ثواب ۱۰۰ سال عبادت در نامه عملش نوشته می‌شود.

در این روز نمازی دارد تقریباً حدود ساعت ۳، دو رکعت و در هر رکعت بعد از حمد ۲۵ مرتبه سوره «و الشمس» بخواند. بعد هم یک دعایی دارد آن را بخواند که ان‌شاءالله خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می‌دهد.

حیف است که این فضیلت به این بزرگی را از دست دهیم.





امید داشتن به درگاه الهی

صدیقه وصالی

دانش آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

چکیده

از میان بی‌شمار نعمتی که خالق هستی سرآمدترین مخلوقش را به آن تجهیز نمود، بیم و امید است و تا زمانی که انسان در فاصله‌ی این دو باشد و حد ننگه دارد از مسیر کمالش منحرف نخواهد شد و او روز به روز به اوج خود خواهد رسید. بهترین و ساده‌ترین راه برای شناخت ارزش و اهمیت امری در زندگی بشر، بررسی و تحلیل آثار و کارکردهای آن است. از این رو در این نوشتار به بررسی نقش امید در سلامت روان پرداخته می‌شود تا ارزش و اهمیت آن بیشتر شناخته شود.

واژه‌های کلیدی: امید، قرآن، سلامت روان.

مقدمه

دستیابی به آرامش واقعی یکی از خواسته‌های همیشگی بشر بوده است و در این راستا انسان در طول تاریخ تلاش‌ها و رنج‌های بسیاری را به

جان دل پذیرفته است. بی‌شک بخش وسیعی از تلاش‌های علمی بشر و کشف رازهای ناگشوده جهان طبیعت به منظور دسترسی به امکاناتی بوده است که آرامش و آسایش را برای انسان به ارمغان آورد. از سوی دیگر مطالعات آکادمیک و تحقیقات روانشناسی پیرامون آرامش و اضطراب و عوامل و موانع هر یک بخش قابل توجهی از پژوهش‌های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است.

درسال‌های اخیر کوشش‌های زیادی در زمینه روان درمانی افرادی که دچار بیماری‌های روانی و اضطراب‌های شخصیتی و عدم تعادل آن هستند، انجام شده است و در این زمینه روش‌های مختلفی برای روان درمانی پدید آمده است که هیچ کدام موفقیت مورد انتظار را در، از میان بردن یا پیشگیری از بیماری‌های روانی کسب نکرده است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که میانگین درمان از ۷۰ درصد تجاوز نمی‌کند. وانگهی حال عده‌ای از بیماران پس از روان درمانی گاه بدتر هم





شده و یا بیماری پس از مدتی بازگشته است. از این رو روانشناسان به دنبال یافتن علت این امر برآمدند و از طریق آمارگیری به این نتیجه رسیدند که مهمترین عامل در درمان بیماری‌های روانی «دین» است و درصد بهبودی بیماران که معتقد به دین هستند بسیار بیشتر از دیگران است. لذا آنان بر این باورند که «ایمان بدون شک مؤثرترین درمان بیماری‌های روانی به ویژه اضطراب و افسردگی است.» ویلیام جیمز فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی می‌گوید: «ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد. فقدان ایمان زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد.»

کارل یانگ روان‌کاو می‌گوید: «در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متمدن با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام اما از میان بیماران که در نیمه دوم عمر خود به سر می‌برند (یعنی از سی و پنج سالگی به بعد) حتی یک بیمار را نیز ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آنان به این دلیل قربانی بیماری روانی شده‌اند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمان به پیروان خود می‌دهند نداشتند و تک‌تک آنان فقط وقتی به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند به طور کامل درمان شدند.»

بنابراین حتی جوامع غربی هم متوجه شده‌اند که برای درمان بیماری‌های روحی باید به دین پناه برد و چون دین اسلام خاتم ادیان و اکمل ادیان است پس منشأ اصلی آرامش را باید در آن جست. قرآن کریم که بزرگترین معجزه پیامبر اکرم (ص) است و تمام آنچه را که بشر برای هدایت نیاز داشته و در آن آمده است، کاملترین نسخه برای آرامش روح است. از این رو برآنیم تا با نگاهی اجمالی دیدگاه قرآن را در مورد آرامش روحی و روانی و راه‌های رسیدن به آن را مورد بررسی قرار دهیم (عسکری، ۱۳۹۴).

امید

یک حالت روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است. به طور طبیعی، انگیزه بشر در کارهای اختیاری امید به نفع یا ترس از زیان است. در واقع، خوف و رجا به منزله نیروی اجرایی برای حرکت بوده، عامل مستقیم

تلاش‌ها و رفتارهای انسانی است. به مثال ذیل توجه کنید:

مردی در بیابان پر از برف و یخ قطب شمال، راه خود را گم کرده است. او می‌داند در نقطه دوری پناهگاهی وجود دارد و باید خود را به آن برساند. تمام سعی خویش را به کار می‌بندد تا به آن پناهگاه برسد. اگر این فرد بسیار خسته و سرمازده باشد، دوست دارد روی زمین دراز بکشد و استراحت کند، ولی می‌داند در این صورت به خواب می‌رود و خواهد مرد. امید، او را به حرکت وامی‌دارد تا به هدف خویش برسد. امید، که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می‌شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پرثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است. همان‌گونه که ناامیدی و قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت منشأ فسادها و تبه کاری‌ها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است. همین که انسان به آینده‌ای روشن امید داشته باشد، احساس نیکو و حالتی شاد به وی دست داده، باعث نشاط وی می‌شود و در او انگیزه کار و تلاش ایجاد شده، او را به فعالیت‌های صحیح زندگی وادار می‌کند (ماهنامه‌ی معرفت، ۸۱).

همیشه خردمند امیدوار نبیند بجز شادی از روزگار (فردوسی)

به مدد امید وضعیتی که بالقوه فاجعه بار است را می‌توان به دستاوردی بدل کرد. اگر موقعیت دگرگون نشد، برای برخورد با آن، می‌توانیم خود را دگرگون کنیم (بوسکالیا، ۱۹۹۲؛ ترجمه‌ی انصاری‌فر، ۱۳۹۰).

اشنایدر می‌گوید برگزیدن هدف‌های مناسب و تلاش برای رسیدن به آن‌ها همان چیزی است که می‌توان به آن تفکر هدفمدار یا امید گفت (فیلدمن و اشنایدر، ۲۰۰۵).

به عقیده‌ی گلدسمت (۲۰۰۲) امید، انتظاری مثبت درباره‌ی آینده و نگرشی مثبت به رویدادهای علی و معلولی است و مانند سپری بین آثار رویدادهای استرس‌زای زندگی و سلامت جسمی، روانی و رفتاری قرار می‌گیرد (به نقل از مادوز، کاسلو، تامپسون و جرکویس، دوهزار و پنج).

ارزش امید به خدا

در قرآن و روایات معصومان (ع)، امید به رحمت خداوند و سرانجام نیکو، از جهات گوناگون تأکید شده است. خداوند متعالی به رسول اکرم (ص)

می‌فرماید: مؤمنان به اعمالی که برای کسب ثواب من انجام می‌دهند، تکیه نکنند؛ چرا اگر تمام عمرشان را در عبادت من بکوشند و زحمت بکشند، باز کوتاهی کرده‌اند و به ژرفای عبادتم نرسند، بلکه باید به رحمت من اعتماد کنند و به بخشایش من امیدوار باشند.

در قرآن و روایات آمده است که فرشتگان و انبیای الهی، همواره از خداوند برای مؤمنان درخواست گذشت می‌کنند و این خود موجب امیدواری به رحمت الهی می‌گردد. در آیه ۵ سوره شوری آمده است: «فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می‌طلبند.» همچنین آنچه درباره شفاعت پیامبر اعظم (ص) درباره امتش در روایات آمده، یا بیانگر آن است که جهنم تنها برای کافران فراهم گشته، همگی، تشویق به امیدواری به خداوند است (چراغی، ۱۳۸۷).

قرآن امید را عاملی مهم در حرکت و زندگی بشر بر می‌شمرد و بیان می‌کند که امید است که وی را به سوی کاری و یا عملی سوق می‌دهد. به عنوان نمونه بیان می‌کند که امید به پاسخ‌گویی از سوی خداوند علت و انگیزه برای دعا و طلب از او می‌شود (بقره آیه ۱۸۶) و امید به آینده برتر در این دنیا و یا آخرت است که موجب می‌شود تا باورها و کنش‌ها و واکنش‌های خویش را تصحیح کند و به بازسازی و اصلاح اعمال و رفتار خود بپردازد (یونس آیه ۷ و ۸).

خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف می‌فرماید: فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ هر کسی که به دیدار و لقای پروردگارش امید بسته است می‌بایست کارهای نیکو و صالح انجام دهد.

قرآن، مهمترین اثر و کارکرد امید در زندگی بشر را آسان شدن سختی‌ها و تقویت روحیه انسان می‌داند. به این معنا که انسان برای

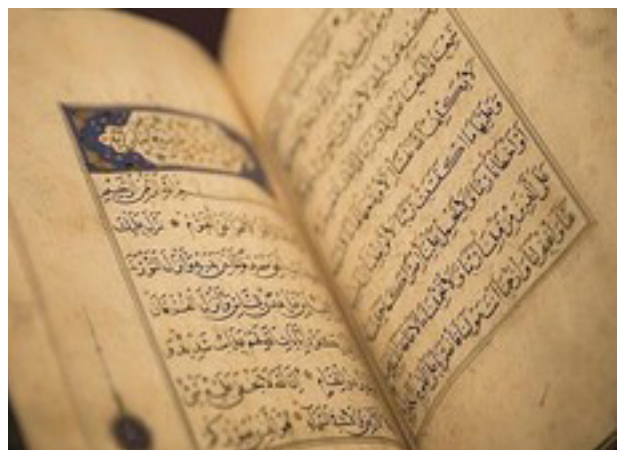
هر عملی می‌بایست انگیزه‌ای داشته باشد و هر چه کار سخت و دشوارتر باشد، می‌بایست امید به بهره‌وری و بهره‌مندی نیز بیشتر باشد. نقش عواطف و احساسات در زندگی بشر گاه بیشتر از عقل و خرد است. به این معنا که اگر عقل و خرد حکم کند که کاری هر چند سخت و دشوار در زندگی او مفید خواهد بود به آن روی می‌آورد؛ ولی این به تنهایی موجب نمی‌شود تا انسان به کاری اقدام کند؛ زیرا روحیه انسانی ارتباط تنگاتنگی با عواطف و احساسات وی دارد (عسکری، ۱۳۹۴).

افرادی که در سخت‌ترین لحظات زندگی، ایمان خود را به خدا قوی نگه می‌دارند و با اعتقاد کامل خداوند را در حل مسائل خود شریک می‌کنند، نه تنها خود را از بار زندگی طاقت فرسا نجات می‌دهند، بلکه امیدواری خود را حفظ می‌نمایند (غباری بناب و راقیان، ۱۳۸۷). امید موجب می‌شود تا روحیه شخص از نظر روحی و روانی تقویت شود و عاملی برای انجام کارهای سخت و دشوار گردد.

در این راستا توجه به پاداش بزرگ نیز می‌تواند عاملی برای آسانی شدن کارها برای شخص شود. کسی که با انجام کاری امید به پاداش در خور و شایسته داشته باشد به آسانی به کارها اقدام می‌کند و هر سختی را بر خود تحمل می‌کند. قرآن به این مساله با بیان مصداقی در آیه ۱۰۴ سوره نساء اشاره می‌کند و می‌فرماید که چگونه سختی جنگ برای کسانی که امید به دیدار خدا داشته و از وی امید پاداش دارند، آسان می‌شود و همه سختی‌ها را به جان می‌خرد.

روحیه شخص با امید به رسیدن به هدف تقویت می‌شود و شخص در برابر سختی‌ها واکنش مثبتی از خود نشان می‌دهد و امیدوار می‌شود تا با تحمل آن به مقصد خویش دست یابد. این بدان معنا نیست که شخص به قطع به هدف خویش می‌رسد بلکه تنها امیدوار است که شاید به آن دست یابد و همین انگیزه‌ای می‌شود تا سختی‌های جانکاه را تحمل کند. در حقیقت امید به پاداش و دستیابی به اهدافی خاص موجب می‌شود تا انسان تلاشی را صورت دهد. اگر انسان امیدی به دستیابی نداشته باشد، هرگز به تلاشی دست نخواهد زد و کوششی برای رفع و برداشتن مشکلات از خود بروز و ظهور نمی‌دهد (یوسف آیه ۸۷).

به عنوان نمونه کسی که امید به اجابت دعا نداشته باشد هرگز دست به دعا بر نخواهد





داشت و در پیشگاه خدا انابه و تضرع نمی‌کند. امید به استجاب دعا موجب می‌شود که شخص این سختی و رنج را بر خود تحمیل کند و به اشکال مختلف و راه‌های گوناگون به دعا بپردازد و از خدا برای رهایی از مشکلات زندگی و دردهای روحی و جسمی و برآورد نیازهایش دعا کند (بقره آیه ۱۸۶).

اگر کسی به این باور باشد که کارش هیچ تأثیر نداشته باشد اقدامی به انجام آن نمی‌کند ولی اگر امیدوار باشد که شاید این کار تأثیری خواهد گذاشت به امید دستیابی به این کار اقدام می‌ورزد. در این جا مساله احتمال و گمان رسیدن به نتیجه برای او کافی است تا به کاری دست زند. بر همین پایه و اساس است که شخص به آموزش و پرورش خطاکاران و بزهکاران اقدام می‌کند؛ زیرا این امید را به خود می‌دهد که شاید این اشخاص بزهکار و خطاکار تحت آموزش و پرورش درست اصلاح گردند (نساء آیه ۶۴ و نیز توبه آیه ۱۰۲ و ۱۰۶).

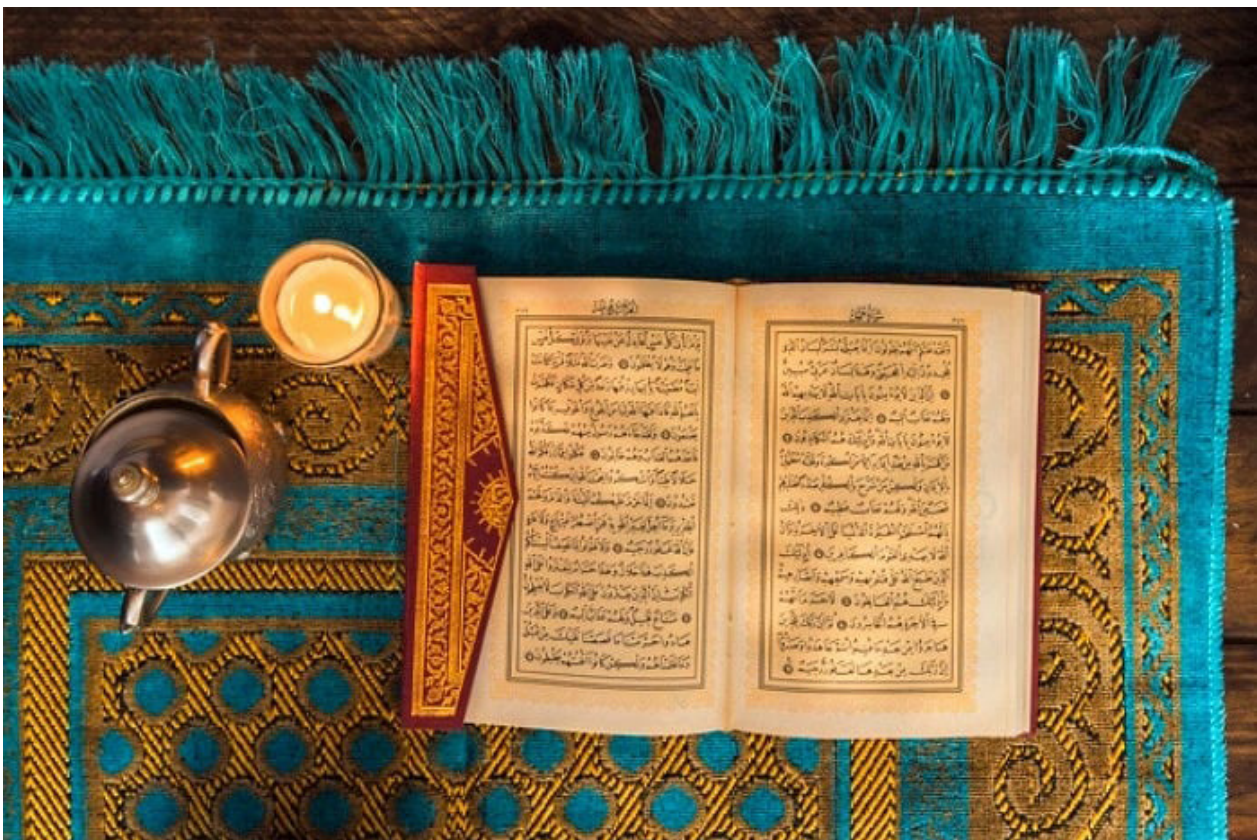
امید به رسیدن به پیروزی است که شخص را در برابر مستکبران قرار می‌دهد و مانع می‌گردد تا جلوی فساد و افساد ظالمان و مستکبران را بگیرد (فرقان آیه ۲۱ و عنکبوت آیه ۳۶).

این‌ها بخشی از آثار امید است که در آیات قرآن بدان اشاره شده است. در همه این‌ها به مساله روحی و روانی امید و تأثیر آن در این حوزه

پرداخته شده است. اگر کسی بخواهد درباره امید در قرآن تحقیق و پژوهشی را انجام دهد می‌بایست به حوزه روان شناسی امید بیش از جنبه‌های دیگر آن توجه کند؛ زیرا امید مساله‌ای است که ارتباط تنگاتنگی با حوزه روان شناسی رفتار دارد. به این معنا که هر رفتار انسانی انگیزه‌ای می‌خواهد که امید به عنوان عامل و علتی مهم در انگیزه سازی نقش آفرین است. از این جا به اهمیت و ارزش امید و نقش آن در زندگی نیز رسیده‌ایم؛ زیرا به خوبی و روشنی اثبات شد که امید تا چه اندازه در زندگی انسان نقش سازنده و مثبتی را ایفا می‌کند به گونه‌ای که بدون امید نمی‌توان امیدوار بود که انسان زندگی در دنیا را تحمل کند و مانند بسیاری از انسان که امید بریده‌اند، گرفتار افسردگی می‌شوند و در نهایت به جهت احساس بیهودگی و لغویت به خودکشی دست می‌زنند. امید است که می‌تواند جلوی افسردگی را بگیرد و از خودکشی انسان‌ها جلوگیری به عمل آورد.

در حقیقت مهمترین کارکرد امید را می‌بایست افزون بر تحرک بخشی و تلاش‌زایی در انسان، در جلوگیری از افسردگی و خودکشی دانست.

قرآن از نومییدی و آثار آن به اشکال مختلف سخن گفته است. در آیاتی که به این مساله پرداخته شده است، هر چند به این نکته با صراحت اشاره نشده است که نومییدی عامل و



انگیزه خودکشی است، اما به این مطلب عمومی و کلی اشاره شده است که نومیدی در انسان موجب می‌شود تا انسان موجودی سرکش گردد و به طغیان نسبت به خدا و قوانین آن دست یازد (یونس آیه ۱۱ و فرقان آیه ۲۱). کفر به خدا و نعمت‌های او (یوسف آیه ۸۷) و دست شستن از رحمت خداوندی و مدد و یاری او (زمر آیه ۶۳ و یوسف آیه ۸۷) از نتایج و پیامدهای طبیعی نومیدی است. بنابراین کسی که نومید می‌شود دچار سستی و ضعف می‌شود (نساء آیه ۱۰۴) و در برابر مشکلات خود را می‌بازد. خواسته‌های نامعقولی را می‌خواهد (فرقان آیه ۲۱) و در نتیجه عدم دستیابی با آن دچار افسردگی می‌گردد. افسردگی فزاینده موجب می‌شود تا دست به خودکشی بزند که مصداقی از طغیان بر خدا و رحمت او به شمار می‌آید (یونس آیه ۱۱). به هر حال در نگرش و بینش قرآنی امید عاملی مهم برای تحرک و تلاش و زندگی و مانع‌ای برای دوری از افسردگی و خودکشی و طغیان است.

امید در قرآن

مسئله امید در فرهنگ اسلامی مطرح شده است. قرآن برای تشویق و ترغیب انسان به کارهای شایسته، بهره فراوانی از امید برده است. در ذیل، به چند آیه در این زمینه اشاره می‌شود: خداوند نسبت به دیدار خود امید می‌دهد: (مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (عنکبوت: ۵)، کسی که به دیدار خداوند امید دارد [بداند که] اجل [او از سوی] خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا. امیدواران به لقای الهی، که همان مؤمنان هستند، باید بدانند که ملاقات با خداوند، وعده‌ای حتمی و قطعی از طرف پروردگار است، مرگ نیز پلی است که باید برای آن آمادگی داشت. بنابراین، لازم است امیدواران به تلاش و فعالیت روی آورند تا با سربلندی به لقای پروردگارشان برسند.

اگر امید در دل انسان وجود داشته باشد، منشأ اثر خواهد شد. نشانه بارز امید به خداوند و روز قیامت، انجام عمل شایسته است. قرآن می‌فرماید: (... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (کهف: ۱۱۰) هر کس امید به لقای پروردگارش (روز قیامت) دارد، باید عمل صالح بجای آورد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد. پس تنها راه رسیدن به رضایت خداوند و پاداش‌های وی، کارهای شایسته و پرستش خالصانه اوست. تا

وقتی اخلاص و انگیزه الهی در عمل انسان نباشد رنگ عمل صالح به خود نمی‌گیرد. کسی که عمل شایسته ندارد، نباید به رحمت و آمرزش خدا امید داشته باشد.

شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: عده‌ای از یاران شما مرتکب گناه شده، می‌گویند: ما امید [به لطف و بخشش خدا] داریم. امام فرمود: «دروغ می‌گویند آنان پیرو ما نیستند، گروهی‌اند که آرزوهای [بی‌پایه] بر آنان غلبه یافته است. هر کس به چیزی امید دارد برای آن کار و فعالیت می‌کند، و هر کس از چیزی بترسد از آن فرار می‌کند.» حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «از کسانی مباش که بدون عمل شایسته، به آخرت امید دارند، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازند.» باور به معاد، حتی در حد امید، اهرمی کارآمد در گرایش به عمل است و در تنظیم زندگی سالم و تصحیح رفتارها و باورهای انسان نقش مهم دارد در آیه دیگری خداوند می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (بقره: ۲۱۸) آنان که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خداوند آمرزنده مهربان است. در آیه مزبور، امیدواری مؤمنان و مهاجران مجاهد به رحمت خدا ذکر گردیده است. هر چند امید حالتی روانی است، ولی آثار آن در عمل آشکار می‌گردد. در واقع، آنان که در راه خدا هجرت و جهاد می‌کنند، می‌توانند ادعای امید به رحمت الهی داشته باشند (ماهنامه معرفت، ۸۱).

چنان دارم امید از لطف یزدان

که زایل گردد از من ناتوانی

(مسعود سعد)

ناامیدی و زیان‌های آن

چنانچه اشاره شد، امید در زندگی انسان، باعث انجام کارهای شایسته و تلاش‌های مفید و پرتیتر می‌شود. انسان امیدوار، هم در این دنیا راحت و سالم زندگی می‌کند و هم در آخرت از نعمت‌های فراوان الهی بهره‌مند می‌گردد. در برابر امید، ناامیدی قرار دارد که زیان‌های فراوانی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. کسی که به علل گوناگونی همچون تبلیغات دشمن، عجز بودن و فقدان آینده‌نگری، احساس ناتوانی، احساس خود کم‌بینی و مشکلات جسمی، به زندگی در این دنیا امید ندارد، و کسی که از آمرزش





مبتلا شده‌اند؛ زیرا سبب می‌شود اینان هرگز نتوانند در زندگی موضعی متعادل و صحیح داشته باشند گاه مغرور و متکبر و گاه ناامید می‌شوند. از این رو، دایم در حال تشویش و دلهره‌اند. فقط افراد با ایمان، که روحی بلند و سینه‌ای گشاده (شرح صدر) دارند و در برابر شداید و حوادث سخت زندگی صبر را پیشه خود ساخته‌اند و در همه حالات از کارهای شایسته فروگذار نمی‌کنند از این دو حالت افراط و تفریط بیرونند. آنان هنگام فراوانی نعمت مغرور نمی‌شوند و خدا را فراموش نمی‌کنند، و هنگام سختی‌ها و مصیبت‌ها از رحمت خدا ناامید نمی‌گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی‌شوند. به همین دلیل، برای اینان آمرزش از گناهان و پاداش بزرگ الهی (بهشت) خواهد بود. پس راه مبتلا نشدن به یأس دو امر است: ۱. صبر و تحمل مشکلات، ۲. ایمان به این واقعیت که نعمت‌ها در ید قدرت الهی اند. به هر کس بخواهد و مصلحت بداند می‌دهد، و از هر کس بخواهد می‌گیرد، و به آنکه گرفته است، می‌تواند بازگرداند.

خداوند در آیاتی چند بشر را از ناامیدی باز داشته است. از جمله در آیه ۵۳ سوره زمر می‌فرماید: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ...) بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید، از رحمت خدا نومید مشوید. به دلیل فراوانی ضرر نومیدی، خداوند با لحنی آکنده از محبت و لطف، آغوش رحمت خویش را باز کرده و فرمان عفو عمومی صادر کرده است. می‌فرماید: به بندگان گنه کار من بگو: هر اندازه گناه کردید، مبدا از رحمت الهی ناامید شوید، بلکه با توبه کارهای زشت خویش را تدارک کنید. از آیه استفاده می‌شود که ناامیدی از گناهان بزرگ است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «... ناامیدی از رحمت خداوند،

پروردگار پس از مردن ناامید است، برنامه‌ای نیز برای بهره‌مندی از آن ندارد، زندگی را هیچ و پوچ می‌داند. او از هم اکنون ناراحت است که چه پیش خواهد آمد، و چه سرنوشتی در انتظار اوست. از این رو، به هیچ کار مهمی دست نمی‌زند و هیچ اقدام مثبتی انجام نمی‌دهد و چون امیدی به آینده ندارد، مرتکب جنایات بزرگ و خطرناک می‌شود. روان‌شناسان برای افسردگی نشانه‌هایی ذکر کرده‌اند که یکی از آن‌ها نومیدی است. فرد افسرده نسبت به آینده بدبین و نومید بوده و بوی بهبودی از اوضاع جهان احساس نمی‌کند. فرد نومید احساساتی همچون تنهایی، وازدگی، غمزدگی و بی‌روحویی دارد که این امر منجر به سرخوردگی بیشتر او می‌شود.

در آیه‌ای خداوند درباره نومیدی به سبب کم ظرفیتی انسان می‌فرماید: (وَلَيْسَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ وَلَئِن أَذَقْنَاهُ نِعْمًا بَعْدَ ضِرَاءٍ مَّسْتَهٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ) (هود: ۹-۱۰) و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی باز گیریم قطعاً نومید و ناسپاس خواهد شد و اگر پس از محنتی که به او رسیده است نعمتی به او بچشانیم، حتماً خواهد گفت: گرفتاری‌ها از من دور شد. بی‌گمان، او شادمان و فخر فروش (خودستای) است. افراد کوتاه نظر، که تنها زمان حال خود را دیده، از امور دیگر غافلند، هنگام از دست دادن امکانات و موهبت‌های مادی، از رحمت الهی ناامید شده، تدبیر خداوند را در هستی منکر می‌شوند. چون انسان از نظر روحی و روانی ضعیف است، وقتی خداوند برخی نعمت‌های دنیوی را به او داد، سپس باز ستاند، ناامید شده، تصور نمی‌کند که دیگر آن نعمت‌ها به سویی باز گردند.

گویا امکانات مادی را حق مسلم خود دانسته، خدا را مالک آن‌ها نمی‌شناسد. چنین افرادی پس از گذر از سختی‌ها و دستیابی به موهبت‌های دنیوی، به شادمانی بسیار، تکبر، و فخرفروشی، که صفات نکوهیده‌ای هستند، مبتلا خواهند شد و آنچنان به خود مغرور می‌گردند که تصور می‌کنند همه مشکلات و ناراحتی‌های آنها برطرف شده‌اند، و هرگز باز نخواهند گشت. بدین دلیل، شادی و سرمستی بی‌حساب و فخرفروشی بی‌جا به حدی سر تا پای آنان را فرا می‌گیرد که از شکر نعمت‌های پروردگار غافل می‌مانند. این افراط و تفریط بلای بزرگی است که اینان بدان



از بزرگترین گناهان نزد پروردگار است.»
ناامیدی را خدا گردن زده است
چون گنه مانند طاعت آمده است
کوی نومییدی مرو، امیدهاست
سوی تاریکی مرو، خورشیدهاست؛
(مولوی)

حضرت علی (علیه السلام) در ضرر ناامیدی می‌فرماید: «فقیه (و دین شناس) کامل کسی است که مردم را از آمرزش و مهربانی خداوند ناامید نسازد و از عذاب ناگهانی ایمن نسازد.» «... اگر نومییدی بر [دل] چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای در آورد»، «بزرگ‌ترین بلا [برای انسان] قطع شدن امید است»، «ناامیدی آدم را از پا در می‌آورد»، «قرنت الهیبة بالخیبة ترس با ناامیدی همراه است»، «تعجب می‌کنم از کسی که [از رحمت خداوند] ناامید است، در صورتی که وسیله رستگاری با اوست که آن استغفار کردن است». برخی آیات، قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت را منشأ فسادها، تبه کاری‌ها، انجام کارهای ناپسند، طغیان و سرکشی و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی می‌دانند (یونس: ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۵ / فرقان: ۲۱). امید به رحمت خداوند، که قدرت بی‌انتهای دارد، مطابق فطرت انسان است. اما اگر فطرت پوشیده شود ناامیدی به سراغ او می‌آید. یأس از رحمت پروردگار محدود کردن رحمت او و نیز عفو و آمرزش الهی را نادیده گرفتن است چنان که امید محرک انسان به فعالیت و تلاش بود، ناامیدی سبب بازماندن او از عمل و دست کشیدن از جدیت در کارها و بریدن از بندگی خداست.

از دام‌های بزرگ شیطان این است که در ابتدا بنده را فریب می‌دهد و با گناهان کوچک و بزرگ او را مشغول می‌سازد و چون مدتی بدین صورت با او بازی کرد، اگر باز در او نورانیتی دید که احتمال توبه و بازگشت به سوی حق در او وجود داشت، او را به یأس از رحمت می‌کشاند و به او می‌گوید: از تو گذشته و کار تو اصلاح‌پذیر نیست. این دام بزرگی است که شیطان بر سر راه بندگان گذارده، تا آنان را از درگاه پروردگار روی گردان کند. اگر چنین حالتی برای فردی پیش آمد، ضررهای فراوانی برای خود و دیگران دارد. چنین فردی دنبال فعالیت نمی‌رود و از زندگی دنیا باز می‌ماند، و چون امید به زندگی ندارد دچار خمودی و افسردگی می‌شود و همه چیز و همه کس را با دیده زشت و باطل می‌بیند، و چون

برای آخرت نیز کار شایسته‌ای انجام نداده است، پس از مرگ، از عذاب الهی در رنج است. فرد مؤمن دائم بین خوف و رجا (بیم و امید) قرار دارد؛ بدین معنا که او از یک سو، به فقر و نداری خود نگاه می‌کند که سر تا پا نقص و کمبود است، از خود هیچ‌گونه کمال، عزت و توانایی ندارد و آنچه دارد همه از خداوند است. او از عبادت‌های خود بیم دارد، چه رسد به گناهان و نافرمانی‌هایش از پروردگار و از سوی دیگر، به رحمت گسترده الهی، که تمام عالم را فرا گرفته است، نظر افکنده، امید دارد که این رحمت شامل او نیز می‌شود. بدین روی، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «در سفارشات لقمان به فرزندش امور عجیبی بود. عجیب‌ترین آن‌ها اینکه از خداوند آن‌گونه بترس که اگر در درگاه او خوبی‌های جن و انس را آوردی، تو را عذاب می‌کند و به خدا این‌گونه امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را بیاوری تو را می‌آمرزد.» سپس امام فرمودند: «هیچ بنده مؤمنی نیست جز اینکه در دل او دو نور است: نور امید و نور بیم، که اگر هر کدام را وزن کنند بر دیگری نچربد (ماهنامه ی معرفت، ۸۱).

اقسام امید و آرزو

به طور کلی، امید و آرزو به دو قسمت «کاذب» و «صادق» تقسیم می‌شود. «استاد مطهری» می‌گوید: بیشتر افرادی که از لحاظ روح و روان سالم و با نشاطاند و انحرافی پیدا نکرده‌اند کمتر به تخیل و به هم بافتن آرزوهای دور و دراز و نامعقول می‌پردازند. ولی افراد ضعیف - که مبتلا به بیماری روانی‌اند و نشاط عمل ندارند و در وجودشان همت و اراده‌ای وجود ندارد - بیشتر بر مرکب سریع‌السير خیال سوار می‌شوند و با خیالات خود را سرگرم می‌کنند. پس باید دایره امیدها و آرزوهایمان را محدود کنیم و بدانیم هر چیزی شایسته امید داشتن نیست (مؤسسه نور هدایت، ۱۳۸۹).

آفات امید و آرزو

ناآگاهی و بی‌اطلاعی از واقعیات و غفلت از وظیفه اصلی و بلندپروازی و فاصله گرفتن از مبانی دینی و عوامل اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه از آفات عمده و مهم امید و آرزوست (مؤسسه نور هدایت، ۱۳۸۹).



عوامل تقویت امید به خداوند در آیات و روایات

برای اینکه بتوانیم امید به خداوند را در زندگی خود تقویت کنیم، باید به عوامل آن آگاهی پیدا کرده و در آنها تفکر کنیم. با اینکه همه ما انسان‌ها در ورطه امتحان الهی هستیم و باید یک به یک مراحل زندگی را همراه با وقایع سختی که در پیش‌روی ماست سپری کنیم، و آیا خداوند حکیم و مهربان که بهترین مربی ما می‌باشد، ما را در این مسیر تنها می‌گذارد؟ صد البته که این چنین نیست؛ چنانکه عواملی جهت شکوفایی بذر امید در راه سلوک ایجاد کرده که به گوشه‌ای از آن می‌پردازیم:

عامل اول: وسعت رحمت و کرم الهی

عامل دوم: نهی از یاس و ناامیدی

عامل سوم: شفاعت اولیاء الله

عامل چهارم: ترغیب و امر به حسن ظن به خدا

عامل پنجم: تأخیر انداختن نوشتن گناهان از طریق ملائکه

عامل ششم: بشارت‌هایی برای شیعیان (امینی، ۱۳۸۸).

نتیجه

با توجه به تأثیر جهان‌بینی هر فرد در جهت‌گیری و چگونگی زندگی آدمی، نمی‌توان از نقش دین در پیدایش امید چشم پوشید. توجه به توحید و وحدت معبود، علاوه بر آنکه آسیب‌پذیری انسان را در برابر ناملایمات به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، بستری مناسب برای بنیان‌گذاری پایه‌های امید راستین در نوع بشر می‌باشد.

در دیدگاه‌های فرهنگی و علمی مختلف، امید دارای تعاریف متفاوتی است. رشد امید و ناامیدی در انسان به میزان زیادی وابسته به فرهنگ و ارزش‌های جامعه یا طبقه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند. با توجه به اینکه ما در جامعه‌ای اسلامی زندگی می‌کنیم و توجه به خدا و کلام خدا در رأس امور و اعتقاداتمان است، باید در تعریف و عوامل ایجاد و افزایش امید فرهنگ غنی اسلامی را در نظر داشته باشیم. در جهان بینی توحیدی، امید در راستای تکامل و کمالات اخلاقی انسان است و این تکامل از منظر قرآن، به سوی خلیفه الهی در جریان است (بقره، ۳۰). توجه به این فضیلت اخلاقی عامل آرامش و استحکام او در برابر ناملایمات می‌باشد. در حقیقت

از نظر اسلام توجه و انجام فضایل اخلاقی، خود عبادت است و کلیه عبادات و اعمال دینی در تقویت امید نقش دارد. در حقیقت هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام به گام به ذات مقدس الهی نزدیک‌تر می‌کند و در فرد نسبت به شرایط و آینده خوش بینی ایجاد می‌کند که باعث افزایش امید و در نتیجه سلامت روان در او می‌شود.

منابع

منابع فارسی

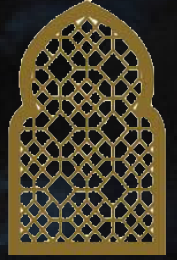
۱. قرآن کریم
۲. امینی، مهدی. (۱۳۸۸). بیم و امید از منظر امام خمینی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۳. بوسکالیا، لئو. (۱۳۹۰). زاده برای عشق. (ترجمه‌ی هوشیار انصاری‌فر). تهران: نشر البرز. (سال تألیف اثر به زبان اصلی ۱۹۹۲).
۴. غباری بناب، باقر و راقیان، رؤیا. (۱۳۸۷). کودک، نوجوان و معنویت. تهران: یسپرون.
۵. چراغی، طیبه. (۱۳۸۷). جوان و امیدواری به خدا. گلبرگ نیاز، شماره ۱۰۳. گرفته شده از سایت <http://www.hawzah.net>.
۶. امید در قرآن. ماهنامه‌ی معرفت، شماره‌ی ۸۱. گرفته شده از سایت <http://www.porseman.org>.
۷. عسکری، حسن. (۱۳۹۴). راه‌های رسیدن به آرامش روانی از نگاه قرآن. گرفته شده از سایت <http://www.maarefquran.org>.
۸. مؤسسه فرهنگی قرآنی نور هدایت خراسان جنوبی. (۱۳۸۹). گرفته شده از سایت <http://www.noore-hedayat114-blogfa.com>.

منابع انگلیسی

۹. Feldman, D. B; Snyder C.R. (۲۰۰۵). Hope and the Meaningful Life: Theoretical and Empirical Associations between Goal-directed Thinking and Life Meaning. *Journal of Social and Clinical Psychology*, vol ۲۴, No ۳, pp ۴۲۱-۴۰۱.
۱۰. Meadows, L. A., Kaslow, N. G., Thompson, M. P., & Jurkovic, G.J. (۲۰۰۵). Protectiv against suicide attempt risk among African American Women experiencing intimate partner violence. *American Journal of community Psychology*, ۳۶(۱-۲), pp ۱۰۶-۱۲۱.



فرشته و ربّ الکعبه



مهسا پرمو

کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه شیراز

مرغ دل ناله کن امشب که علی مهمان است
آسمان جامه سپه کرده و مه پنهان است
خانه‌ی آل پیمبر شده ویرانه‌ی غم
دخت مولا به گریبان پدر گریبان است
جان زینب! ثرو بابا! که دلم می‌میرد
تو بگو بر دل زینب چه کسی درمان است؟!
خون غم می‌چکد از دیده‌ی زهرای کبود
به خدا بعد علی زینب من حیران است
شده‌ام راوی غم از دل هر طفل یتیم
که جهان بی‌رخ مهتاب علی زندان است



يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ

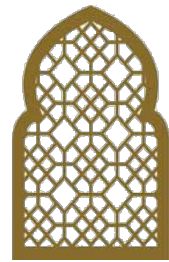
ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:)

ما شما را از خاک آفریدیم

﴿سوره حج، آیه ۵﴾



انسان در قرآن از منظر شهید مطهری



زهرا شمشیری

دانش‌آموخته حقوق دانشگاه شیراز

او صرفاً از دانش به عنوان وسیله‌ای برای بهبود معیشت خود یاد نمی‌کند بلکه انسان، دانش را فی‌نفسه مطلوب و ارزشمند می‌داند و هرگز از اندوختن آن ملول نمی‌گردد.

۲_ تقدیس پرستش: انسان ذاتاً میل به عبادت و پرستش دارد از این رو در طول تاریخ خدایان بی‌شماری را پرستش کرده است؛ چرا که انسان دریافته است قدرت و علم او ناچیز است و به قدرتی برتر نیاز دارد که به زندگی‌اش معنا ببخشد، او را یاری دهد و به او اتکاء ورزد.

۳_ خیر اخلاقی: اخلاقیات به عنوان یکی از مهم‌ترین تمایزات مابین انسان و حیوان است که نقش سازنده‌ای در رشد و تکامل آدمی دارد. اخلاقیات، فی‌نفسه برای آدمی لذت بخش است و او را به آرامشی ژرف می‌رساند و وجدان او را راضی و شادمان نگه می‌دارد.

از منظر قرآن انسان موجودی دوبعدی است. موجودی که قابلیت فراتر بودن از مقام فرشتگان و نیز پست‌تر بودن از جانوران را توأمان دارد. قرآن کریم، انسان را موجودی آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا، مسئول و دارای اختیار و با کرامت معرفی می‌کند. در مقابل، قرآن ویژگی‌های منفی و ناشایست انسان را نیز به نیکی بیان می‌کند و آن‌ها را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. ستمگر بودن، نادان و ناسپاس بودن، شتابگر و بخیل بودن، حریص و بی‌تاب بودن از صفاتی است که در نهاد انسان نهفته و در شرایط متعدد در بیرون آشکار می‌شود.

انسان، جاذبه‌های معنوی متعددی دارد:

۱_ علم و دانایی: انسان ذاتاً طالب حقیقت و دانایی است و از کشف یافته‌های علمی لذت می‌برد.



تفالی به دیوان حافظ

در خراباتِ مغان نورِ خدا می بینم
این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم
جلوه بر من مفروش ای مَلکُ الحَاج که تو
خانه می بینی و من خانه خدا می بینم
خواهم از زلفِ بَنانِ نافه گشایی کردن
فکرِ دور است همانا که خطا می بینم
سوزِ دل، اشکِ روان، آهِ سحر، ناله شب
این همه از نظرِ لطفِ شما می بینم
هر دم از رویِ تو نقشی زَندم راهِ خیال
با که گویم که در این پرده چه ها می بینم
کس ندیده است ز مُشکِ حُسن و نافه چین
آن چه من هر سحر از بادِ صبا می بینم
دوستانِ عیبِ نظرِ بازیِ حافظِ مکنید
که من او را ز مُجَبانِ شما می بینم



عَزُّوْ عَلَيَّ لَنْ لَرِي الْخَلْقَ وَلَا تُرِي

بر من دست است ایست که همه را ببینم و تو را نبینم...

کانون‌های قرآن و عترت (ع) و مهدویت دانشگاه شیراز برگزار می‌کنند:

قرائت دعای ندبه

ویژه دانشجویان خاتم

صبح‌های جمعه | ساعت ۳:۰۶
مجتمع کوثر (جنب خوابگاه ارم ۸)

صبحانه مهمان سفره امام زمان (عج) هستیم.





مسابقات خوشنویسی و قرآنی

شهرستان شیراز، استان فارس
 (بسمت کارگزاران فرهنگی)

باجوریت:
 قرون عامل وحدت و همدلی تمدن اسلامی
 قرون تنوری خاموش نامذیر از زینت تابدیت
 هنک حرمت، نیردی بی اثر در برابر معجزه ی جاودان

بخش هنرهای تخصصی: پوستر
بخش ادبی: شعر

جوایز برگزیدگان هر بخش:
 نفر اول: ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، تندیس و لوح تقدیر
 نفر دوم: ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و لوح تقدیر
 نفر سوم: ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و لوح تقدیر

مهلت ارسال آثار: تا پایان آبان ماه ۱۴۰۲
 شماره دبیرخانه بخش ویژه جشنواره: ۰۹۹۰۴۷۷۳۵۱۸

کانون قرآن و عترت (ع) دانشگاه شیراز
 و معاونت فرهنگی دانشگاه شیراز برگزار می کنند

و اوست خدایی که با آن را پس از توفیق خلق
 می فرستد و رحمت خود را فراوان می گرداند ۱۱ شهری

دانشگاه شیراز
 جشنواره خوشنویسی و قرآنی
 بسمت کارگزاران فرهنگی

طهور

باجوریت

**تا پایان آبان ماه
 تمدید شد**

مهلت ارسال آثار:
پایان اردیبهشت ۱۴۰۲

پل ارتباطی ما: ۰۹۳۳۶۱۷۱۶۶۷
 quranshirazuni
 quranshirazu

در بخش های ادبی، هنری، آوایی،
 دیجیتال، کتابخوانی و پژوهشی

همراه با برگزاری کارگاه های آموزشی
 مربوط به رشته های گوناگون در هر
 بخش با حضور اساتید مطرح استان و کشور

